

بررسی تحلیلی - انتقادی تعهدات دولت ها در رهیافت توسعه پایدار در چارچوب الگوی ۲۰۳۰

هاله حسینی اکبرنژاد^۱ حوریه حسینی اکبرنژاد^۲

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۵/۰۹ تاریخ تایید ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

«توسعه پایدار» مفهومی بین‌المللی و داخلی با ابعادی مختلف است که دو جنبه اقتصادی و زیست‌محیطی آن مهم است. در عرصه بین‌المللی، با تصویب الگوی توسعه پایدار ۲۰۳۰^۳ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ محورهای متعددی ذیل مفهوم الگوی توسعه پایدار به کشورهای مختلف جهت اجرا عرضه شده است. اگرچه ماهیت سند اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست، اما از زمان تصویب تاکنون جریان‌سازی بین‌المللی گسترده‌ای توسط سازمان ملل متحد، ارکان آن و همچنین آژانس‌های تخصصی ملل متحد برای اجرای همه‌جانبه آن محقق شده و بنابراین، شناسایی تعهدات دولت‌ها در چارچوب این سند مهم است. رویکرد جمهوری اسلامی ایران، نسبت به اهداف توسعه پایدار

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین (نویسنده مسئول)

Email: Akbarnejad@soc.ikiu.ac.ir

۲. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس تهران

Hooriehhosseini@Modares.ac.ir

3. The 2030 Agenda for Sustainable Development Goals

۲۰۳۰ رهیافت جزئی و موردی بوده است و برخی محورها مانند آموزش (ذیل هدف ۴ و مرتبط با سند آموزش ۲۰۳۰ و اعلامیه اینچئون) بنا به اقتضائات فرهنگی و اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. اما فراتر از این، اکنون بررسی انتقادی تحلیلی کلیات این سند در رویه بین‌المللی مورد نیاز می‌باشد تا بتوان فارغ از جریان‌سازی نهادهای بین‌المللی و مسامحه برخی نهادهای داخلی، مفاهیم، اهداف و راهبردها را بیابیم و به عنوان کشوری اسلامی، مواضع متقن مبتنی بر موازین اسلامی و منافع ملی در قبال آن اتخاذ نماییم.

واژگان کلیدی: الگوی ۲۰۳۰، تعهدات دولت، توسعه، توسعه پایدار، سازمان ملل متحد،

محیط زیست

مقدمه

تصویب اهداف توسعه پایدار به عنوان الگوی بعد از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ در هفتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نقطه عطفی در هم‌نوایی جامعه بین‌المللی برای اعلام و تحقق آرمان‌های مشترک بشری شمرده شده است. مفهوم توسعه پایدار به عنوان دستاورد مهم و نسبتاً جدید سازمان ملل متحد، از یک سو، مبتنی بر تجربه اهتمام بر تحقق اهداف توسعه هزاره توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و از سوی دیگر، درصدد مواجهه با چالش‌ها و معضلات جدید است و بر همین اساس متضمن برخی مفاهیم و آموزه‌های مهمی است که به عنوان نقشه راه و برنامه عمل، ذیل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ اهداف فرعی مقرر گردیده است.^۱ امروزه درک فزاینده‌ای وجود دارد که توسعه پایدار مستلزم تغییر نگرش در تعامل میان رشد اقتصادی و حفظ محیط زیست است. با وجود این، رویکرد سند اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ در پرداختن به ابعاد مختلف اقتصادی، زیستی محیطی، اجتماعی و سیاسی برای تحقق توسعه پایدار و بهبود بقای بشریت در جهان معاصر متوازن

۱. از جمله محورهای مهم مطرح در این سند، می‌توان به فقر، امنیت غذایی، سلامت، آموزش، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، دسترسی به آب سالم، انرژی، رشد اقتصادی، الگوی بهینه مصرف و مقابله با تغییرات آب و هوایی اشاره کرد. زمینه چالش برانگیز آن است که هنوز، بسیاری از کشورها تمایز میان اهداف توسعه پایدار و اهداف توسعه هزاره را خصوصاً در زمینه ماهیت و قلمروی تعهدات و اقدامات، جهانشمولی و پتانسیل عظیم همکاری و اقدام جمعی برای مواجهه با معضلات جهانی و ضرورت تفکر سیستمی مورد نیاز را درک نکرده‌اند.

نیست و برخی از متخصصین، ریشه این عدم توازن را در فقدان رویکرد سیستمی در سند و عدم ترسیم روابط چندجانبه میان اهداف شمرده‌اند. در این مقاله، سعی بر آن است که با رویکردی انتقادی، چارچوب کلی سند اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و برخی از مهم‌ترین خلأها و ایرادات مرتبط با این سند و رویه بین‌المللی مرتبط با آن، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. امید است ثمره این بحث از حیث نظری و عملی در مواجهه سازنده و مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی با این سند و همکاری موثر و به دور از انفعال با نهادهای بین‌المللی ذیربط، برای دولت جمهوری اسلامی ایران مفید واقع گردد.

۱. فقدان رویکرد نظام‌مند و جامع در اهداف توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار، دارای قلمروی وسیع است و شامل اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، منابع طبیعی، منابع مالی و نیروی انسانی برای نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با بکارگیری امکانات فنی، ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل‌های امروز و آینده به‌طور مستمر و قابل رضایت است. این مفهوم کاملاً مربوط به پایداری است. (زمانی و جواهریان، ۱۳۹۴: ص ۱۸۳) دستیابی به پایداری، جوامع و دولت‌ها را ملزم می‌کند تا طیف وسیعی از مسائل زیست محیطی، بیوفیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مورد توجه قرار دهند که دارای ارتباط متقابل می‌باشند. (Abson and others, 2017: pp. 32-33) رویکردهای تقلیل‌گرایانه که صرفاً براجزای فردی متمرکز است می‌تواند از تعاملات مهم در سیستم جهانی غافل شده و در دستیابی به پایداری جهانی، ناخواسته دارای تاثیر معکوس باشد. بنابراین ادغام سیستم‌ها و رویکرد یکپارچه برای ارائه راه‌حل‌های پایداری در سیستم‌های مرتبط با محیط زیست و زندگی بشر ضروری است. رویکردهای سیستمی درک می‌کنند که تمرکز منحصر به فرد بر روی اجزای تشکیل دهنده، تصویر ناقصی از پیچیدگی‌ها ارائه می‌دهد و منجر به بروز مشکلات عدیده خواهد شد.^۱ مدت‌ها قبل از تصویب اهداف توسعه پایدار، شناسایی و

۱. رویکرد سیستمی، الگویی چند بُعدی برای در نظر گرفتن اجزای مختلف متقابل جهان ارائه می‌دهد و بر شناسایی و توصیف فعل و انفعالات بین اشیاء در سیستم، تأکید می‌کند. این رویکرد به دنبال

طراحی تعامل و ارتباط متقابل میان اهداف اصلی مورد تاکید بسیاری از نهادهای تخصصی و کارشناسان بوده است. نشان دادن روابط متقابل بین اهداف اصلی و فرعی و پاسخ به همه اهداف به عنوان یک کل یکپارچه برای اطمینان از تحولات مورد نیاز برای توسعه پایدار بسیار مهم است. اگر بر اهمیت وجود رویکردی یکپارچه برای اهداف توسعه پایدار تاکید نشود، این خطر جدی وجود دارد که دولت‌ها بخشی از اهداف توسعه پایدار را که با اولویت‌های ملی آنها مطابق است، گزینش نمایند، و اهدافی که مربوط به حیات کره زمین است را نادیده بگیرند چرا که پیاده‌سازی آنها دشوارتر است. (Stafford-Smith and others, 2016: pp. 917-919) به این ترتیب، ایجاد یک چارچوب قابل اجرا و یکپارچه برای اهداف توسعه پایدار، باتوجه به قدرت آنها در هدایت رفتار و تعیین هنجارها و سیاست‌ها، با هدف نهایی تحقق پایداری در عرصه‌های مختلف بسیار مهم است و این امر با اعمال رویکردهای سیستمی برای ادغام در اهداف توسعه پایدار محقق خواهد شد. (Lim, 2018: p. 3) در مورد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ باتوجه به تعداد زیاد اهداف اصلی و فرعی و تنوع و تکرار اقدامات حمایتی مقرر در آن، و همچنین در مورد اینکه آیا دولت‌ها و آژانس‌های بین‌المللی از مهارت‌های کافی برای داشتن «تفکر سیستمی جامع»^۱ برای اجرای اهداف توسعه پایدار برخوردارند یا خیر، نگرانی‌هایی ابراز شده است (Nilsson and others, 2016: p. 320) برای اولویت‌بندی اهداف و سپس ارزیابی تأثیرات مثبت (یا منفی) هریک بر دیگر اهداف، این دغدغه و نگرانی جدی مطرح است که دولت‌ها، شرکت‌ها یا آژانس‌ها در رویه خود اقدام

شناسایی بازخوردها در سیستم است که در آن تأثیرات روی یک جزء می‌تواند چرخه‌ای از تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم بر سایر اجزای سیستم را ایجاد کند. رویکردهای یکپارچه مبتنی بر سیستم، برای رفع پیچیدگی سیستم‌های بوم‌شناختی اجتماعی ضروری است. این در حالی است که اهداف توسعه پایدار تقسیم‌بندی سنتی بخش‌ها را منعکس می‌کند و هریک از اهداف به تنهایی به عنوان عناصری جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند و پیوستگی و ارجاع متقابل و نیز تعارضات احتمالی بین اهداف مورد توجه نیست. در نتیجه، چارچوب کلی اهداف ممکن است از نظرات ارتباطات درون سیستمی، کارآمد نباشد و بنابراین می‌تواند هدف نهایی که همان تحقق توسعه پایدار است را تحت الشعاع قرار دهد.

برای تولید انرژی (هدف ۷)، تولیدات کشاورزی (هدف ۲) یا توسعه تجارت و زیرساختها (اهداف ۸ و ۹) را بدون در نظر گرفتن تأثیرات بر آب و هوا (هدف ۱۳)، آب (هدف ۱۴) یا زمین (هدف ۱۵) در اولویت قرار دهند. علت اصلی این مشکل، عدم تصور راهکارهای بهتر برای پرداختن به انرژی، تولیدات کشاورزی و بهبود تجارت در قرن ۲۱ است. اهداف توسعه پایدار، محرکی برای نوآوری جمعی هستند که مطلوب تفکر و عمل کنیم و باید نسبت به ارتباطات فزاینده و تعاملات مثبت بین اهداف مختلف رویکردی باز داشته باشیم. به عنوان نمونه، سیستم های غذایی عادلانه و پایدار می تواند برای رسیدن به هدف ۲ (پایان دادن به گرسنگی) کمک کننده باشد و در عین حال، موجد مزایای زیست محیطی (اهداف ۱۵-۱۳) نیز باشد و در مقابله با معضلاتی مانند چاقی و بیماری های غیرواگیر (هدف ۳) به کار آید. (Mortont and other, 2017: p. 87)

در اجرای اهداف توسعه پایدار و شاخص های آن، دو رهیافت کلی مورد توجه قرار گرفته است: چارچوب راهبردی و چارچوب مفهومی که هر دو دارای کارکرد، روند و اهداف خاص خود هستند.^۱ به طور کلی، مفهوم سازی و عملیاتی شدن اهداف اصلی و فرعی، باید از برخی اصول مورد توافق پیروی کند. با این حال، آنها اغلب بیش از حد نظری هستند یا صرفاً دارای ماهیت روش شناسی هستند که اولی به سطح عملیاتی نمی رسد، و دومی صرفاً بر روند پردازش داده ها تمرکز دارد. (UN DESA, 2007: PP. 5-7) آنچه به عنوان ویژگی مطلوب برای شاخص ها مورد تأکید است این که آنها باید مرتبط با هم، برخوردار از روش شناسی مطلوب، قابل سنجش، با دسترسی آسان و محدود در تعداد و متمرکز بر نتیجه باشند (Hák and other, 2017: p. 568). به این ترتیب فقدان رویکرد نظام مند و سیستماتیک در

۱. همچنین اقدام در دو حیطه هنجار سازی و مشروعیت بخشی مورد تأکید است. در حیطه مشروعیت بخشی، گردآوری ادله علمی موید سیاست ها یا تصمیم ها، مشورت با گروه های ذینفع و عموم مورد توجه است. برای اعمال این امر در مورد اهداف توسعه پایدار، تأکید شده است که متخصصان و دانشگاهیان در حوزه های مختلف در مرحله تدوین سیاست ها و فرمول بندی شاخص ها، مشارکت فعال داشته باشند و به عملیاتی شدن اهداف، کمک کنند. یک چارچوب شاخص دقیق، نمی تواند یک چارچوب صرفاً مفهومی یا سیاست محور باشد.

اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ به منزله نقص جدی مطرح است و سنگین بودن جهت تعهدات و محورهای اقتصادی بر ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی موید این واقعیت می باشد.

۱.۱. پایداری اقتصادی مقدم بر پایداری زیست محیطی در چارچوب اهداف توسعه پایدار

هدف ۸ از اهداف توسعه پایدار، تهدیدی برای تحقق پایداری به شمار آمده است. این هدف، ترویج رشد اقتصادی فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و مولد، و کار شایسته برای همه را مقرر می کند. به عقیده برخی پژوهشگران، پایداری زیست محیطی (مقرر در هدف ۷) در نهایت با تحقق اهداف دیگر تضعیف خواهد شد. (Stafford-Smith and others, 2016: p. 918) اما تهدید مطرح شده آن است که اگر همه اهداف فرعی هدف ۸ بتوانند با موفقیت تحقق یابند سایر اهداف توسعه پایدار به ویژه در ارتباط با محیط زیست و در نهایت توسعه پایدار افول خواهد کرد، چرا که فقط پاراگراف چهارم هدف ۸، با افزایش بهره وری در مصرف و تولید به ملاحظه ای از پایداری اشاره می کند (هدف ۸، ۴) و صرفاً این هدف فرعی «تلاش» می کند تا رشد اقتصادی را از تخریب محیط زیست جدا کند و رشد اقتصادی پایدار را به عنوان هدف روشن باقی می گذارد. به عنوان مثال هدف ۸، ۱ حفظ سرانه رشد اقتصادی به طور کلی و حداقل ۷ درصد رشد تولید ناخالص داخلی در سال را در کشورهای کمتر توسعه یافته مقرر کرده است. (Lim, 2018: p.)

(6)

صنعتی شدن در هدف ۹ از سند توسعه پایدار نیز تحقق هدف نهایی یعنی توسعه پایدار را تهدید می کند. در هدف ۹ و اهداف فرعی آن عباراتی مانند «فراگیر» و «پایدار» مقرر شده است، اما نمی توانند تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی اجتناب ناپذیر تبدیل اقتصادهای کشاورزی به اقتصاد صنعتی را نادیده بگیرند.^۱

۱. هدف ۹، ۲ برای افزایش چشمگیر سهم صنعت از اشتغال و تولید ناخالص داخلی و دوبرابر شدن این سهم در کشورهای در حال توسعه به ویژه نگران کننده است زیرا ادامه مسیر اقتصاد را بر اساس افزایش

در مقدمه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مقرر شده است که در اجرای برنامه‌های توسعه پایدار «هیچ‌کس نادیده گرفته نمی‌شود»، دبیر کل سابق ملل متحد نیز بر لزوم تحول اقتصادی از طریق یک سیستم تجاری چندجانبه عادلانه تأکید داشت که به نابرابری‌های تاثیرگذار بر سیستم بین‌المللی در بلندمدت، پایان دهد. (Ban, 2014) علی‌رغم این، اهداف مزبور برای هدف‌گذاری مستقیم نابرابری‌های ساختاری جهانی، فاقد راهکار عملی هستند و بنابراین نباید در این چارچوب، انجام اقدامات تحول‌گرایانه‌ای را انتظار کشید. همچنین با عدم درج اهداف فرعی زیست‌محیطی صریح ذیل هر هدف، مکانیسم‌های پاسخگویی برای تضمین جریان‌سازی موثر، ضعیف و ناکارآمد خواهد بود. (Griggs and others, 2014: p. 49) شناسایی نظام‌های فرعی، ضرورت هماهنگ‌سازی استراتژیک بیشتر در تدوین اهداف اصلی و فرعی را برجسته می‌کند. به عنوان مثال، مدیریت پایدار منابع آب و تصفیه در هدف ۶ مقرر شده است. اگرچه پیوندهای آب آشامیدنی تمیز و تصفیه روشن است، اما این بدان معناست که اهمیت زیست‌محیطی آب به‌طور بالقوه نادیده گرفته می‌شود. (Lim, 2018: pp. 6-7) بدیهی است که هر کشوری، اجرای این اهداف جهانی را به‌نحوی متفاوت پیگیری خواهد کرد، و این یک مزیت کلیدی است که اهداف توسعه پایدار از درجه‌ای از انعطاف‌پذیری محلی برخوردار است. با این حال، اهداف معینی هستند که نیازمند اقدام جمعی فوری می‌باشند تا با تغییراتی که تهدیدکننده بقای کره زمین هستند، مقابله شود. این بدان معناست که همکاری بین‌المللی باید اولویت را برای اقدام در زمینه تغییرات آب‌وهوایی (هدف ۱۳) قرار دهد و باید سیاست‌های اقتصادی، تابع سیاست‌های به حداقل رساندن تأثیرات زیست‌محیطی (هدف ۱۲ مصرف و تولید مسئول) باشد. نکته قابل تأمل آن است که در برخی کشورهای غربی خصوصاً در زمان انتخابات شاهد شنیدن شعارهای انتخاباتی به‌نحوی هستیم که موید

صنعتی شدن و نه تنوع‌بخشیدن به گزینه‌های معیشتی پایدارتر از نظر زیست‌محیطی نشان می‌دهد. علاوه‌براین، اگرچه هدف ۹/۴ فناوری‌های سبز را ترویج می‌کند، اما تمرکز بر افزایش صنعتی شدن و تولید همچنان باقی است.

تاکید بر منافع کوتاه مدت فردی دولت است درحالی که هزینه های بلندمدت زیست محیطی و عواقب اجتماعی و اقتصادی آن را بر عهده نسل های آینده قرار می دهد. اگر این حقیقت را بپذیریم که سلامت انسان، بقا و رفاه آینده او به وجود سیاره زمین دارای قابلیت زندگی و حیات بستگی دارد، آنگاه تمرکز مجدد بر سلامت انسان ها و حفظ محیط زیست و بقای کره زمین را به منزله رشته محکمی تلقی می کنیم که اهداف توسعه پایدار را در روکرد سیستمی به هم پیوند می دهد. (Mortont and other, 2017: pp. 87-88)

۱،۲. عدم تبیین عدالت بین نسلی به عنوان یکی از شاخص های محوری توسعه پایدار

اگر در تخصیص و بهره برداری از منابع، صرفا تامین نیازها و منافع فردی دولت ها مدنظر باشد، معضلات و مشکلات عدیده ای هم برای خود و هم دیگران ایجاد خواهند نمود و قرارداد ضمنی ما با نسل های آینده را نقض می کند در این صورت قادر نخواهیم بود که جهان را در شرایطی بهتر از آنچه که تحویل گرفتیم، ترک کنیم.^۱ (فراهانی فرد، ۱۳۸۶: صص ۱۲۷-۱۲۸) در این شرایط چنانچه، ضرورت اقدام برای حفظ و بهبود شرایطی که زندگی را برای همه ارزشمند خواهد کرد را درک نکنیم، به مثابه نسلی خواهیم بود که بسیار می داند و اندک عمل می کند. اهداف توسعه پایدار، روزنه امیدی است برای اینکه آرمان های جمعی خود را به نحو مطلوب پیاده سازی کنیم. (Mortont and other, 2017: p. 89) با وجود این،

۱. در تعریف های متعدد توسعه پایدار به مسأله عدالت بین نسلی توجه فراوان شده است. به این ترتیب که هر نسل باید منابع آب و هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده اند حفظ کند و برای نسل بعد باقی گذارد. همچنین اغلب پژوهشگران، مسأله عدالت بین نسلی را مهم ترین عامل در تحقق توسعه پایدار دانسته اند. به این ترتیب که در برنامه های مقرر برای رشد اقتصادی و بهره برداری از منابع طبیعی، افزون بر تأمین رفاه نسل حاضر، آسایش و رفاه نسل های بعدی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برای مطالعه بیشتر، رک: سعید فراهانی فرد، «عدالت بین نسلی در بهره برداری از منابع طبیعی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۸۶، صص ۱۳۰-۱۲۶.

عدالت بین‌نسلی^۱ باید در اهداف توسعه پایدار مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفت. اصل عدالت بین‌نسلی، به‌عنوان رکن اساسی توسعه پایدار مورد تاکید است که در اهداف اصلی و فرعی سند توسعه پایدار، هیچ اشاره صریحی به آن وجود ندارد. اگرچه، عبارت «نسل‌های آینده» در متن سند آمده است اما قانع‌کننده نیست. علاوه‌براین، چارچوب زمانی مشخص‌شده در اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۳۰ متوقف می‌شود، بااین‌حال، اصول پایداری مندرج در گزارش برونتلند و کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد مستلزم تفکر و اقدام در افقی بلندمدت است. (Lim, 2018: p. 7)

۱.۳. غلبه رویکرد اقتصادی در حل معضلات بشری از جمله فقر

هدف ۱ از اهداف توسعه پایدار (پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در همه‌جا) مبتن ساده‌انگاری بیش از حد معضل «فقر» است که چندین دهه تحقیق و رویه را نادیده می‌گیرد و ابعاد متعدد فقر و مفهوم‌سازی آن را صرفاً از منظر معیشتی برجسته می‌کند. برخی از پژوهشگران، ذیل این مفهوم به حقوق و آزادی‌های بنیادین مانند فرصت‌های اقتصادی، مشارکت سیاسی، توانمندسازی اجتماعی، کرامت، و سلامت و آموزش مطلوب اشاره داشته‌اند. (Nilsson and others, 2015: pp. 10-12) اگرچه هر یک از این عناصر در اهداف توسعه پایدار به چشم می‌خورد، اما عدم انسجام بین این حقوق و درک محدودی از تأثیرات این عناصر بر فقر مشهود است. این رویکرد اهداف توسعه پایدار با تاکید دیرکل سابق ملل متحد نیز در تناقض است که تصریح کرد که اقدامات مقابله با فقر باید ماهیت چند بُعدی فقر و روش‌های تحقق رفاه را منعکس کند. (Ban, 2014) هدف ۱ از اهداف توسعه پایدار، فقرا را در هر کجا و در هر شرایطی، یکسان می‌داند اما این هدف نباید به گونه‌ای تفسیر شود که تفاوت‌های قابل توجه در ماهیت فقر در کشورهای مختلف نادیده گرفته شود. در بدترین حالت، چنین برداشتی از فقر می‌تواند منجر به تمرکز

1. Intergenerational equity

کشورهای ثروتمند برای مقابله با فقر در داخل شود، و با این اولویت‌گذاری خود، محرومیت بسیار بیشتری را در فقیرترین کشورها به جای بگذارد. درحالی‌که برخی پژوهشگران براهمیت روابط متقابل میان کشورهای کم‌درآمد، متوسط و با درآمد بالا تاکید می‌کنند. (Stafford-Smith and others, 2016: p. 918) این امر برای هدف ۱ بسیار مهم است تا از پیشرفت توسعه انسانی در همه جا اطمینان حاصل کند. باین حال، هدف ۱ توزیع مجدد و بازسازی ثروت مورد نیاز برای مقابله با فقر را به عنوان یک مسئله جهانی تسهیل نمی‌کند و فقدان فرایندهای ملی و بین‌المللی ایجاد ثروت، توزیع مجدد و رژیم‌های نظارتی مرتبط، از دیگر خلأهای هدف ۱ عنوان شده است. (Lim, 2018: p. 6) به‌راستی، مسئولیت‌های کشورهای ثروتمند و ابرشرکت‌ها در چارچوب اهداف توسعه پایدار و برای مقابله با فقر مبهم است. اهداف توسعه پایدار، هم می‌خواهد اقلیت ثروتمند جهان، بتوانند به افزایش رشد ادامه دهند، هم می‌خواهد زمین را نجات دهد، هم می‌خواهد فقر را ریشه‌کن کند. و در همین بستر دچار تعارض جدی می‌شود زیرا اهداف سه‌گانه مذکور غیرقابل جمع هستند.^۱ اصولاً اهداف توسعه پایدار بر آن است که نابرابری را با ارتقای وضع فقرا کاهش دهد و هیچ کاری با ثروتمندان ندارد، در حالی که فقرا این همه انسان ناشی از انباشت شدید ثروت در دست اقلیت کوچکی از انسانها و زندگی پرمصرف آنهاست. در جهان دچار بحران‌های زیست‌محیطی و به ویژه بحران تغییر آب‌وهوا، تنها راه واقع‌بینانه کاستن از نابرابری حاد، مبارزه مستقیم با خود آن است. جهان نیاز فوری دارد به اینکه تولید ناخالص داخلی به عنوان ملاک توسعه و پیشرفت انسان کنار گذاشته شود، اگرچه اهداف توسعه پایدار با وجود آگاهی از این ضرورت، در عمل تصمیمی درباره آن اتخاذ ننموده است. (اصغری، ۱۳۹۶:

۱. سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، برای ریشه‌کنی فقر، مبتنی بر مدل قدیمی رشد است که به «رشد سالانه دست‌کم ۷ درصدی تولید ناخالص داخلی در کم‌توسعه‌ترین کشورها» و «سطوح بالاتر تولید اقتصادی» اشاره دارد. این در حالی است که سبک زندگی انسان‌ها در سال ۲۰۱۵ نیازمند ۱/۶ برابر، زمین بیشتر بود. اکنون این نیاز بیشتر شده است که مستلزم آن است که انسان‌ها بیشتر و بیشتر از سرمایه زمین هزینه کنند.

صص ۴۰-۳۹) هدف ۲ از اهداف توسعه پایدار بر تغذیه و امنیت غذایی و هدف ۳ بر سلامت متمرکز است و حال، برخی تبیین نظام‌مند این سه هدف را برای تسهیل اجرای یکپارچه و احراز درک وسیع‌تر از فقر پیشنهاد نموده‌اند. (Lim, 2018: p. 6). در واقع سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ با محوریت دادن به رشد اقتصادی، ادامه مسابقه جهانی توسعه را ترویج می‌کند. اما ادامه این مسابقه، نابرابری و شکاف میان کشورهای ثروتمند و فقیر را از گذشته بیشتر کرده و برای مقابله با فقر، ناکارآمد است و در مورد بسیاری از عوامل زمینه‌ساز فقر سکوت نموده یا راهکاری برای آنها ارائه نمی‌کند. به‌طور نمونه درباره رژیم غیرمنصفانه تجارت در سازمان تجارت جهانی، و درباره بسیاری توافق‌های دوجانبه تجاری و سرمایه‌گذاری که بازارهای جهانی را به ضرر کشورهای فقیر آزاد می‌کنند، موضعی ندارد و به جای کنترل این مشکل مهم حتی در بند فرعی دهم از هدف ۱۷ خواهان آزادسازی بیشتر تجارت و قدرت بیشتر برای سازمان تجارت جهانی می‌شود. همچنین از برنامه‌های تعدیل ساختاری که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر کشورها تحمیل می‌کنند هیچ سخنی به میان نیامده است، حال آنکه این‌ها عمده‌ترین علت فقر در دهه‌های قبلی است. (اصغری، ۱۳۹۶: صص ۳۹ و ۳۶) بررسی مفهوم فقر در فقه و معارف اسلامی، روشن می‌سازد که اسلام دید جامع‌تر نسبت به فقر چندبعدی داشته و ابعاد فقری که در اسلام مورد اشاره قرار گرفته در اقتصاد متعارف هرگز یافت نمی‌شود که این به دلیل تفاوت در اصول و مبانی آن دو است. از آنجا که بشر چندبعدی است و در زندگی نیازهای متعددی دارد که باید هریک تا اندازه‌ای برآورده شود از این رو فقر به مفهوم جامعی بدل می‌شود که کل طیف زندگی را در بر می‌گیرد. معیارهای خط فقر اسلامی بیشتر به دنبال این است که فقرا را به سمت سطح میانگین جامعه و حتی سطح غنی و بی‌نیازی برساند و درصدد کاهش نابرابری‌ها و ایجاد توازن اقتصادی در سطح جامعه است. (عسگری و غفورزاده، ۱۳۹۲: صص ۷۶-۷۲)

همچنین در رابطه با راهکارهای پیشنهادی در زمینه مقابله با فقر از منظر

بهبود اقتصادی خانوار نیز یک جنبه‌نگری سند توسعه پایدار کاملاً مشهود است. (عسگری و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۳۳) در اهداف توسعه پایدار «به رسمیت شناختن و ارزش‌گذاری مراقبت‌های بدون دستمزد و کار خانگی» ذیل پاراگراف ۴ هدف ۵ مورد تأکید می‌باشد به این ترتیب که: «ارزش کار و مراقبت خانگی، باید از طریق ایجاد زیرساخت‌های لازم و اتخاذ سیاست‌های حمایت اجتماعی و ارتقای مسئولیت همگانی در رابطه با مشاغل خانه‌داری و خانوادگی مطابق با چارچوب‌های ملی متناسب، به رسمیت شناخته شود.» در رویه بین‌المللی، از جمله مهم‌ترین مصادیق کار خانگی عبارت است از «خانه‌داری» و «مراقبت و نگهداری از کودکان یا سالمندان». از آنجایی که کار بدون دستمزد زنان، یکی از شاخصه‌های فقر و زنانه‌شدن فقر تلقی شده است (UNSD, 2015: PP. 1-2)، از این رو، تأکید نهاد زنان ملل متحد به عنوان نهاد نظارتی بر اجرای هدف ۵، آن است که در وهله نخست، باید عرف‌ها و هنجارهایی که زنان را به سمت برعهده‌گرفتن کار بدون دستمزد سوق می‌دهند تعدیل گردند. (UN Women, 2015: P. 10) همچنین مشاغل خانگی و فاقد درآمد مانند خانه‌داری و مراقبت از کودکان، به منزله مسئولیت‌های سنگین و نابرابر و مانع بزرگی برای تحقق برابری جنسیتی و بهره‌مندی برابر زنان از حقوق بشر قلمداد شده است و بر همین اساس، راهبردهای عمومی برای توجه به «مراقبت و نگهداری» به عنوان یک مسئولیت اجتماعی و جمعی و نه یک معضل شخصی، پیشنهاد شده و تسریع توانمندسازی اقتصادی زنان و زمینه‌سازی اشتغال تمام‌وقت ایشان یکی از اولویت‌های مهم نهاد زنان ملل متحد مطرح گردیده است. (UN Women, 2015: pp. 11-12) این رویکرد ناظر بر گره‌زدن مشاغل خانگی از جمله خانه‌داری یا مراقبت از کودکان با مقوله «فقر»، جای بسی تأمل دارد و به نوعی پیش‌داری و سوءبرداشت از نقش مادری و همسری را به ذهن متبادر می‌سازد و از منظر آموزه‌های اسلامی مورد انتقاد جدی قرار دارد. در اندیشه اسلامی، ضمن ارج نهادن به ارزش معنوی کار خانگی و تشویق همسران به فداکاری و همیاری در محدوده نقش‌های خانوادگی، از محاسبه مالی

کار زن در خانه نیز سخن به میان آمده است (علاسوند و نیکوخصال، ۱۳۹۶: ص ۸) و راهکارهای حقوقی و غیرحقوقی^۱ برای آن تمهید شده است. (یمرلی، ۱۳۹۸: ص ۴۰۲) نکته بسیار مهم آن که نقش مادری در آموزه‌های اسلامی، صرفاً جنبه فردی ندارد بلکه فعالیتی جامعه‌ساز تعریف می‌شود و مادر زمینه‌ساز تشکیل جامعه‌ای متعالی است. پس به دلیل اینکه میدان اثر مادری کل جامعه است، فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود. (افضلی و انتظاری، ۱۳۹۹: ص ۱۰۳) باتوجه به اهمیت نقش مادری در اسلام، رشد و تعالی فردی و اجتماعی، منوط به تقویت جایگاه آن است و نقش دولت در جهت تمهید و تصویب قوانین و سیاست‌های تسهیل و ترغیب‌کننده برای ایفای نقش مادری، بسیار حیاتی و تعیین‌کننده خواهد بود و انتظار می‌رود برخلاف رهیافت توصیه‌شده توسط نهادهای بین‌المللی مبنی بر تنزل و حذف نقش مادری، رویکرد مستحکمی برای تقویت این نقش خانوادگی مهم با آثار فردی و اجتماعی ایفا کنند.

۱.۴. رویکرد حداقلی در تعیین کنش‌گران عرصه توسعه پایدار

در دهه‌های اخیر، شاهد افزایش چشمگیر مشارکت بازیگران غیردولتی در عرصه حاکمیت جهانی هستیم. از منظر برخی تحلیل‌گران، شرکت‌ها و بخش خصوصی نقش مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت حاکم بر اهداف توسعه پایدار ایفا خواهند کرد. با این حال، شرکت‌ها فقط یک‌بار در اهداف توسعه پایدار، در ارتباط با کاهش تولید زباله در هدف ۱۲،۶ مورد اشاره قرار دارند. باتوجه به قدرت آنها در مقیاس‌های متعدد، این خلأ جدی، ممکن است بر فقدان اهداف تحول‌گرایانه جدی در این سند دلالت کند. از نظر اجرا و نظارت، نادیده گرفتن بازیگران غیردولتی، پتانسیل

۱. وهله نخست بر تعهد حقوقی و اخلاقی مرد نسبت به جبران اقتصادی ایثار زن در ایفای امور خانگی و مراقبتی، تاکید شده است که در نتیجه مرد باید تامین اقتصادی زن را به صورت حداکثری بر عهده گیرد و ضمانت اجرایی تعهد اخلاقی مرد در قبال زن، اجرای حق قانونی و شرعی زن به گرفتن اجرت‌المثل است. برای مطالعه بیشتر، رک: یمرلی، صالح، «اکاوی اجرت‌المثل زوجه در فقه حنفی، امامیه و قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳۹۸، (سال پانزدهم، شماره ۵۹)، صص ۴۰۶-۴۰۳.

اهداف توسعه پایدار را برای ایجاد بازسازی اجتماعی اقتصادی مورد نیاز برای دستیابی به پایداری محدود خواهد کرد. (Lim, ۲۰۱۸: p. ۶) زیرا در حال حاضر، تأثیر این بازیگران بر تصمیمات دولت‌ها، توسعه خط‌مشی‌های داخلی، حفاظت از منابع طبیعی، مذاکرات و معاهدات بین‌المللی در این حوزه به خوبی نشان‌دهنده درک این اشخاص حقوقی از معضلات زیست‌محیطی است که ارتباط مستقیم با مقوله توسعه پایدار دارد. با این حال منتقدان اظهار می‌کنند که در نظر گرفتن منافع بازیگران غیردولتی در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و اجرا در سطح بین‌المللی، ممکن است تأثیرات مخربی به دنبال داشته باشد، چرا که گاه این بازیگران به جای توجه به منافع حقوقی عام، منافع مضیق گروهی و صنفی را مدنظر قرار می‌دهند. اما رویه عملی، موید آن است که این بازیگران تاکنون در زمینه کمک به توسعه پایدار فعالیت‌های برجسته‌ای داشته‌اند.^۱ (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۶: صص ۲۴۲-۲۴۱)

۲. سیاست عدم شفافیت و مکتوم‌سازی در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در راستای احتراز از چالش‌های عملی و نظری

در تدوین اسناد و معاهدات حقوق بشری، اکتفا به طرح کلیات و محورهای اصلی به عنوان یک شیوه نگارش این قبیل اسناد، مرسوم است به این ترتیب که در راستای جذب حداکثری دولت‌ها تلاش می‌شود صرفاً به بیان تعهدات کلی

۱. بازیگران غیردولتی در توسعه مقررات زیست‌محیطی از طریق افزایش آگاهی عمومی در مسائل محیط‌زیستی، تأثیر بر فرایند مذاکرات بین‌المللی، بیان طرح‌های پیشنهادی برای شکل‌گیری هنجارهای جدید، اعمال نفوذ بر تصمیمات دولت‌ها و نظارت بر انطباق اقدامات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با تعهدات بین‌المللی به‌ویژه در زمینه اجرای مقررات ایفای نقش می‌کنند. از طرفی دیگر، بازیگران غیردولتی اغلب ممکن است در زمره منابع اطلاعاتی جامع و دقیق محسوب شوند که این، خود موجب افزایش و بهبود کیفیت در روند مذاکرات و به‌کارگیری گزینه‌های قابل‌دسترس در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود؛ لذا برای ایفای این نقش، بازیگران غیردولتی به دسترسی به اطلاعات ضروری و فرصت برای اظهار نظر نیاز دارند. در همین رابطه، تصمیم‌گیرندگان باید در قبال تصمیمات اتخاذ شده پاسخگو و مسئول باشند و اجازه نظارت عمومی بر نحوه اجرای مقررات را بدهند.

و عمومی اکتفا گردد و سپس تبیین جزئی و تفصیلی قلمروی هریک از تعهدات مذکور، بر عهده نهادهای نظارتی قرار می‌گیرد که به مرور از طریق نظریات تفسیری^۱ دیدگاه‌های خود را ارائه کنند. در رابطه با نحوه نگارش اهداف توسعه پایدار نیز، با این که معاهده بین‌المللی قلمداد نمی‌گردد، چنین رویکردی مشهود است و البته از جنبه‌های مختلف مورد انتقاد برخی حقوقدانان و کارشناسان قرار دارد و خصوصا در برخی حوزه‌های چالش‌برانگیز و اختلافی در عرصه بین‌المللی، مورد ابهامات جدی در قلمرو اقدامات و پاسخگویی دولت‌ها بوده است.

۲.۱. ابهام در حیطه قلمرو تعهدات دولت‌ها در چارچوب اهداف توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار به‌طور کلی، در تقاطع سه حوزه مهم حقوق بین‌الملل قرار دارد که هر کدام به‌نحوی موید این مفهوم می‌باشند. این سه حوزه عبارتند از: از حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست (جهانی‌پور و توحیدی، ۱۴۰۰: ص ۶۳۳). در چارچوب سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ محتوای برخی اهداف فرعی مقرر برای پیاده‌سازی اهداف اصلی مورد انتقاد است. عنوان سه کنوانسیون به صراحت در اهداف توسعه پایدار گنجانده شده است: کنوانسیون چارچوب تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد (هدف ۱۳)؛ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (هدف ۱۴) و کنوانسیون چارچوب سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات^۲ (هدف ۳)، درحالی‌که هدف ۱۰ به «توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی» اشاره ضمنی دارد و همچنین هیچ هدف اصلی و اهداف فرعی به موافقت‌نامه‌های چندجانبه مربوط به تنوع زیستی و نیز کنوانسیون‌های حقوق بشری اشاره صریح ندارند. اگرچه در اعلامیه‌های مرتبط با سند، به برخی از این معاهدات اشاره‌ای گذرا شده است. و اما گنجاندن صریح یا ضمنی کنوانسیون‌های چندجانبه در اهداف توسعه پایدار بر فقدان ثبات و یکپارچگی آن تاکید می‌کند که می‌تواند قدرت اجرا را تضعیف کند. موضوعاتی که توسط طیف وسیعی از کنوانسیون‌ها مورد هدف

1. General Comments or General Recommendations

2. The World Health Organization Framework Convention on Tobacco Control

قرار گرفته‌اند در سراسر متن اهداف توسعه پایدار گنجانده شده است و این امر می‌تواند به منزله به رسمیت شناختن کنوانسیون‌های مزبور به عنوان ابزاری باشد که از طریق آن اهداف توسعه پایدار، محقق خواهد شد. اشاره صریح به برخی از کنوانسیون‌ها و نادیده گرفتن دیگر کنوانسیون‌ها، به دولت‌ها چنین القاء می‌کند که به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار، تعهدات ذیل کنوانسیون‌های ذکر شده از تعهدات سایر موافقتنامه‌های چندجانبه مهم‌تر است. با وجود این، گنجاندن کنوانسیون‌ها به عنوان بخشی از اهداف جهانی نیز خود می‌تواند مشکل ساز باشد. بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها تنها در حدودی متعهد و ملتزم هستند که رضایت و موافقت خود را با آن اعلام نموده‌اند. الزام و یا ترغیب همه کشورها برای اجرای اهداف توسعه پایدار از طریق کنوانسیون‌های معین می‌تواند به منزله «تصویب مخفیانه» تلقی شود، و کشورهای غیرعضو، به طور مستقیم یا غیرمستقیم ملزم به اجرای مفاد کنوانسیون‌هایی خواهند شد که آنها را امضا و تصویب نکرده و اراده و قصد خود را برای پیوستن به آنها ابراز ننموده‌اند. این رویکرد، می‌تواند مشکل اجرایی ایجاد کند که در آن، دولت‌های غیرعضو از حمایت از رویکردهای هماهنگ، تحت اهداف خاص خودداری نمایند تا از پذیرش ضمنی کنوانسیون‌های موجود در اهداف توسعه پایدار اجتناب کنند. (Lim, 2018: pp. 6-7)

چنین رهیافتی یعنی عدم ترسیم دقیق تعهدات دولت‌ها در برخی موضوعات حقوق بشری نیز چالش برانگیز خواهد بود. چنانچه در ارتباط با برابری جنسیتی و توان‌افزایی زنان نیز با اینکه در متن هدف ۵، به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان هیچ اشاره‌ای نشده است، اما در رویه نهاد زنان ملل متحد به عنوان نهاد ناظر بر اجرای این هدف، در تعریف مفاهیم و تبیین تعهدات دولت‌ها مکرر به مفاد کنوانسیون مزبور استناد گردیده است که از منظر کشورهای غیرعضو از جمله جمهوری اسلامی ایران محل تامل جدی قرار دارد. بر همین اساس، نهاد زنان ملل متحد (به عنوان نهاد نظارتی بر اجرای هدف ۵) در یکی از گزارشات اخیر خود با عنوان «برابری در قوانین برای زنان و دختران تا ۲۰۳۰» بر این واقعیت مهم

تصریح دارد که سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ متضمن تعهداتی برای تحقق اصل برابری میان زنان و مردان در قانون و رویه است و همسو و موید مفاد و اهداف کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و اعلامیه و برنامه عمل پکن می‌باشد. اصلاح قوانین و مقررات داخلی در راستای برابری جنسیتی به عنوان اقدامی حیاتی و ضروری تلقی شده است که باید عمده تمرکز دولت‌ها روی آن باشد و اصلاح و بازنگری فوری کلیه مقررات داخلی تبعیض‌آمیز علیه زنان از جمله در حوزه مدنی، کیفری، اداری و کار به عنوان اولین گام مورد تاکید است (UN Women a, 2019: p. 8) و این امر ضرورت توجه و تعمق دولت‌های اسلامی را در زمینه ترسیم تعهدات‌شان در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه حقوق بشر طلب می‌کند.

عدم شفافیت در تعیین قلمرو دولت‌ها در خصوص آموزش (هدف ۴) پس از تصویب بیانیه و چارچوب عمل اینچئون^۱ (سند آموزش ۲۰۳۰) با محوریت اقدام یونسکو (به عنوان نهاد ناظر بر اجرای هدف ۴) نیز بسیار قابل تامل بوده است. از منظر یونسکو، الگوی آموزش ۲۰۳۰ بازبینی تئوری و عملی برنامه آموزشی موجود را ایجاب می‌نماید و در این زمینه دولت‌ها به حمایت از راهبردها، برنامه‌ها و جریان‌سازی مباحث جنسیتی در متون درسی و آموزش معلمان برای ریشه‌کنی خشونت و تبعیض جنسیت محور در مدارس، متعهدند (Incheon Declaration, 2015: para.8) و از دیگر اقدامات ضروری عبارت است از: تضمین بازبینی کتاب‌ها و متون درسی برای تضمین کیفیت مدنظر و گنجاندن ارزش‌ها و فرهنگ‌های متکثر^۲، آموزش معلمان و نظارت بر فعالیت‌های آنان توسط دولت‌ها،

1. Incheon Declaration and Framework for Action for the implementation of Sustainable Development Goals

۲. یونسکو در صدد تشویق و ترغیب دولت‌ها و افراد است تا از تنوع عقاید در جوامع و تبادل نظر ادیان مختلف به صورت صلح‌آمیز استقبال کنند. و نکته مهم آنکه منظور فقط وجود و تعدد ادیان مختلف نیست، بلکه اینکه پیروان یک دین هم بتوانند تفاسیر مختلف و متنوعی از منابع و مبانی مذهب خود داشته باشند. نکته قابل تامل آنکه، از منظر یونسکو این تنوع شامل احترام به اشکال مختلفی از مکاتب فلسفی و معنوی می‌شود که فاقد مفهوم «خدا» هستند، از جمله دیدگاه‌های فلسفی سکولار و ... اهداف آموزش، ارتقای گفت‌وگو بین ادیان و تنوع عقاید می‌باشد، و نباید آموزش مذهبی محدود

به نحوی که موارد یادشده عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشند و در ترویج برابری جنسیتی، عدم تبعیض، حقوق بشر و آموزش بین فرهنگی مؤثر واقع شوند. همچنین ارائه آموزش جامع جنسی^۱ منطبق با الگوی ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی از

به پیام، تعصبات، مراسم و آئین دین واحد گردد. در مدرسه، آموزش مذهبی فقط به دنبال تنوع عقاید نیست، بلکه بر امکان تشابه یا تفاوت مذاهب تأکید دارد. توصیه عملی یونسکو در این زمینه آن است که در متون درسی، اطلاعات دقیقی در مورد گروه‌های مختلف مذهبی و یا گروه‌هایی که معتقد به هیچ مذهبی نیستند، ارائه گردد و از مفروض گرفتن دین واحد برای همه مردم یا بازداشتن افراد و گروه‌ها از وابستگی به پیشینه مذهبی یا ملی خود اجتناب شود. همچنین متون درسی، باید تصویر جوامع کثرت‌گرا (پلورالیست) را به دانش‌آموزان ارائه نماید که مطابق آن توصیف تنوع مذهبی، مانعی برای احساس تعلق مشترک و هویت جمعی نمی‌باشد. به این ترتیب یونسکو در چارچوب سند آموزش ۲۰۳۰ مفهوم بسیار موسعی از مذهب را مورد توجه قرار داده و دولت‌ها را ترغیب به پذیرش تنوع و تکثر در مذهب نموده است، که البته از منظر کشورهای اسلامی خصوصاً دولت جمهوری اسلامی ایران، مهم و قابل تأمل خواهد بود تا با دقت و تعمق بتوانند واکنش مناسب و مقتضی داشته باشند. برای مطالعه بیشتر، رک:

UNESCO, Making textbook content inclusive: A focus on religion, gender, and culture, 2017, PP. 9-18.

۱. آموزش جامع جنسی از مدنظر یونسکو در چارچوب سند ۲۰۳۰ عبارت است از دسترسی کامل دانش‌آموزان به اطلاعات، امکانات و خدمات جنسی و باروری به طوری که جوانان و نوجوانان بتوانند در جهت پیشگیری از بارداری ناخواسته، محافظت خود در مقابل ایدز و دیگر بیماری‌های عفونی مقاربتی، تضمین دسترسی به ابزار پیشگیری، و دسترسی به مشاوره تنظیم خانواده اقدام کنند. همچنین از دیگر برنامه‌ها ایجاد نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌هایی برای روابط جنسی سالم و محترمانه است و اینکه آموزش جامع جنسی مقدمه‌ای برای تحقق برابری جنسیتی و روابط جنسی سالم شمرده شده و باعث افزایش آگاهی، ایجاد نگرش‌ها و ارزش‌های مثبت و توسعه مهارت‌ها برای انجام انتخاب‌های آگاهانه تلقی شده است. مزایای آموزش سلامت جنسی و باروری از منظر یونسکو عبارتند از: به تأخیر افتادن اولین تجربه تماس و رابطه جنسی، کاهش تعداد شرکای جنسی و کاهش ارتباط جنسی بدون محافظت، پیشگیری از بارداری ناخواسته، پیشگیری از ایدز و دیگر بیماری‌های عفونی مقاربتی. برای مطالعه بیشتر، رک:

UNESCO, UNESCO Strategy on Education for Health and Well-Being: Contributing to the Sustainable Development Goals, 2016, pp. 8-17.

به عنوان نمونه، اولین گروه هدف آموزش جامع جنسی، کودکان ۵ تا ۸ سال هستند که از جمله

دیگر محورهای مورد تاکید در این چارچوب است. (Framework for Action for the implementation of Sustainable Development Goal 4, 2015: paras. 34, 57 and 63). به این ترتیب، نهادهای بین‌المللی ناظر، در تبیین مفاد اهداف توسعه پایدار و تعیین قلمروی اقدام دولت‌ها تفاسیر موسعی ارائه نموده‌اند که در مواردی با نظام ارزشی و مذهبی حاکم بر دولت‌ها خصوصاً دولت‌های اسلامی در تعارض قرار دارد و لازم است این مهم با نقش‌آفرینی فعال و جمعی دولت‌های اسلامی و کنش‌گران غیردولتی در راستای تنویر افکار در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد.

۲.۲. رهیافت جنسیت‌محور برای تحقق توسعه پایدار

در رویه بین‌المللی همکاری میان بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف، برای پیگرد رهیافت جنسیت‌محور در اجرای اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ نقش کلیدی دارد. برای اطمینان از یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های جنسیتی در برنامه‌ریزی توسعه ملی، مکانیسم‌های برابری جنسیتی باید در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری دخیل باشند. در چارچوب اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ پروژه‌های آموزشی مروج حاکمیت قانون و برابری جنسیتی در سطوح مختلف آموزشی از ابتدایی تا آخر متوسطه به عنوان ابزاری مطرح است که درک مبتنی بر حقوق را افزایش می‌دهد و توانمندسازی

محورهای آموزش آنها عبارتند از: آشنایی با اشکال مختلف خانواده سنتی و غیرسنتی [از جمله همجنس‌گرایان و ...] و احترام به آنها؛ شناخت اشکال مختلف روابط عاشقانه میان والدین، اعضای خانواده یا دوستان؛ تعریف لمس خوب و لمس بد و اقدامات لازم در صورت انجام لمس بد توسط دیگری؛ حق هر فرد برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه توسط چه کسی، کجا و و آشنایی با نقاط خصوصی بدن؛ آشنایی (body rights) چگونه لمس شود؛ تبیین حقوق بدنی با اندام داخلی و خارجی تناسلی زن و مرد و توضیح کارکرد و تغییر آنها حین رشد؛ توضیح وقوع حاملگی در زمان پیوستن تخمک و اسپرم در رحم؛ درک لذت و هیجان جسمی به عنوان احساس طبیعی انسان که مستلزم نزدیکی جسمی با افراد دیگر است؛ امکان نشان دادن عشق به دیگری از طریق لمس و نزدیک شدن؛ آشنایی با شیوه‌های متفاوت ابراز عشق به دیگری عبارتند از: بوسیدن، درآغوش گرفتن، لمس کردن و گاهی رفتارهای جنسی. برای مطالعه بیشتر، رک

UNESCO, International technical guidance on sexuality education: An evidence-informed approach, 2018, pp. 36-45.

دانش‌آموزان را از طریق فراگیری مهارت‌ها و شایستگی‌های عملی مورد نیاز فراهم می‌نماید که این امر در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی مورد اهتمام است. (UN Women b, 2019: p. 17) تعریف برابری جنسیتی در چارچوب اهداف توسعه پایدار عبارت است از: حقوق، فرصت‌ها و نتایج برابر برای دختران و پسران و زنان و مردان.^۱ البته این بدان معنا نیست که زنان و مردان یکسان هستند، اما حقوق، مسئولیت‌ها و فرصت‌های آنها به زن یا مرد بودن آنها بستگی ندارد. (UNDP and UN Women, 2018: p. 10) در رابطه با هدف ۵ از اهداف توسعه پایدار، تاکید شده که مسئولیت اصلی کاهش نابرابری‌ها از جمله نابرابری جنسیتی بر عهده دولت‌هاست. قوه مجریه و مقامات محلی باید سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه و ساختارهای پیاده‌سازی، اولویت‌بندی فعالیت‌ها و تخصیص بودجه را تعیین کنند. تعیین وزارتخانه اختصاصی یا نهاد ویژه‌ای در قوه مجریه که بر مسایل برابری جنسیتی تمرکز دارد، رایج‌ترین رویکردی عنوان شده است که توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شود. این رویکرد نباید در سایر بازیگران یا در سایر شاخه‌های دولت چنین تصویری ایجاد کند که آنها برای ادغام برابری جنسیتی^۲ در بخش‌ها و برنامه‌های خود مسئولیتی بر عهده ندارند^۳. همچنین تاکید شده است که تفسیر

1. Gender equality refers to the equal rights, opportunities and outcomes for girls and boys and women and men.

۲. نهاد زنان ملل متحد تاکید دارد که قوه مقننه موظف است تعهدات بنیادین و بین‌المللی را در قوانین داخلی کشور منعکس و وارد کند. از جمله این تعهدات عبارتند از اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و اعلامیه و برنامه عمل پکن و دیگر اسناد بین‌المللی، که مطابق آنها دولت‌ها متعهدند که برابری جنسیتی و منع تبعیض را در قوانین داخلی خود وارد کنند. به این ترتیب شاهد هستیم که علی‌رغم عدم تصریح به مفاد کنوانسیون و اسناد مذکور در متن هدف ۵ از اهداف توسعه پایدار، به صراحت از تعهدات دولت‌ها در این باره صحبت شده است که از منظر حقوقی در مورد دولت‌های غیر عضو محل ایراد و انتقاد جدی می‌باشد.

۳. از این رو، لازم است نهادهای اجرایی در شیوه عملکرد خود بازنگری کنند و برای ادغام رهیافت برابری جنسیتی در همه سطوح، از جمله سیاست‌های کلی و جزئی، بودجه و دیگر ابزارهای پیاده‌سازی، تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها، آمار و همچنین ابزارهای تجزیه و تحلیل و ارزیابی عملکرد

قضایی قانون اساسی، قوانین و آرای محاکم می‌تواند قوانین و سیاست‌ها را شکل دهد و راهنمای بازیگران اجرایی باشد و در نتیجه زمینه‌ساز و یا مانع تلاش‌ها برای تحقق برابری و عدالت است. ظرفیت‌سازی برای ادغام دیدگاه‌های جنسیتی در دادگاه‌ها و سیستم‌های قضایی برای قوه قضاییه لازم است تا تعصب و کلیشه‌های جنسیتی را محدود نماید و شرایط آسیب‌پذیری و حاشیه‌نشینی را احراز کند. (UN Women b, 2019: pp. 13-14)

از منظر نهاد زنان ملل متحد و برنامه توسعه ملل متحد به‌عنوان دو نهاد بین‌المللی فعال در حیطه برابری جنسیتی در چارچوب توسعه پایدار، تحقق برابری جنسیتی هم به‌عنوان یک هدف مهم، به‌خودی‌خود و هم به‌عنوان ابزاری موثر برای تحقق توسعه پایدار ضروری و حیاتی تلقی شده است. (UNDP and UN Women, 2018: p. 10) از دیگر محورهای مطرح در راستای رهیافت جنسیت‌محور در چارچوب سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، محو کلیه اشکال خشونت جنسیتی در فضای عمومی و خصوصی است. به نحوی که مستقیماً در هدف ۵ (بندهای ۲ و ۳) و هدف ۱۶ (بندهای ۲ و ۳) مورد اشاره است و البته برای تحقق برخی اهداف دیگر نیز مانند محو فقر (هدف ۱)، تحقق امنیت غذایی (هدف ۲)، سلامت و رفاه بیشتر (هدف ۳)، یادگیری موثر (هدف ۴)، اشتغال مولد و رشد اقتصادی (هدف ۸) و کاهش نابرابری‌ها (هدف ۱۰) ضروری شمرده شده است. تعریف ارائه شده از خشونت جنسیتی در این چارچوب موسع می‌باشد به این ترتیب که پدیده‌ای چندوجهی است که شامل خشونت‌های جسمی، جنسی، روانی و اقتصادی می‌شود. از منظر نهاد زنان ملل متحد، حذف موثر خشونت مبتنی بر جنسیت مستلزم یک رویکرد جامع است که شامل اقدامات پیشگیرانه بلندمدت می‌شود،^۱

بخش برنامه‌ریزی کنند. بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی جنسیت‌محور باید نقطه آغازین هر سیاست، قانون یا مقررات جدید باشد.

۱. حفاظت موثر و خدمات با کیفیت بالا برای حمایت از زنان دارای تجربه خشونت؛ تعقیب و مجازات مرتکبین؛ گردآوری منظم آمار در شیوع خشونت؛ و نظارت و ارزیابی اجرا و اثربخشی قوانین؛ سیاست‌ها و برنامه‌های مربوطه است. ترویج و تحقق برابری جنسیتی برای دستیابی به توسعه پایدار شرط کلیدی شمرده شده است که مستلزم غلبه بر موانع برابری جنسیتی و اجرای سیاست‌ها و

همچنین موانع کلیدی که باید برطرف گردند، عبارتند از: موانع ساختاری مانند فقر، بیکاری، بی‌سوادی و کمبود منابع و دارایی؛ موانع نهادی مانند قوانین تبعیض‌آمیز و کمبود یا فقدان نمایندگی و رهبری زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری؛ و هنجارهای واپس‌گرایانه اجتماعی و فرهنگی از جمله کلیشه‌های جنسیتی و سوگیری در مورد نقش‌ها و مسئولیت‌های قابل قبول زنان و مردان. (UNDP and UN Women, 2018: pp. 43-49) به این ترتیب به صراحت، راهبرد برابری جنسیتی

راهبردهایی است که بتواند این موانع را برطرف کند. از منظر نهادهای بین‌المللی از عوامل زمینه‌ساز خشونت علیه زنان در سطح جامعه، به هنجارهای هژمونیک مردانگی و سلسله مراتب جنسیتی، و همچنین چارچوب‌های سیاستی همراه. که به کنترل و اقتدار مردان مشروعیت می‌دهد، دسترسی نابرابر زنان به منابع را ساختار می‌بخشد و رفتارها و نگرش‌هایی را که چنین خشونت را تأیید می‌کند. اشاره شده است. در زمینه مقابله با خشونت مبتنی بر جنسیت، پیشگیری و حفاظت اولیه تا مداخله و حمایت از قربانیان توصیه شده است. نمونه‌هایی از پیشگیری اولیه شامل زمینه‌سازی برای استقلال اقتصادی زنان است. همکاری مردان و زنان برای تقویت روابط برابر و محترمانه، تغییر هنجارهای اجتماعی از جمله تقویت آموزش متقابل گروهی، آموزش و بسیج جامعه از دیگر برنامه‌های پیشنهادی است. برای مطالعه بیشتر، رک:

UNDP and UN Women, Gender Equality as an Accelerator for Achieving the Sustainable Development Goals, 2018, pp. 43, 45-46.

۱. در رویه نهاد زنان ملل متحد تمایل به ایفای نقش‌های جنسیتی که گاهی اساس هویت ملی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند به حفظ نظم اجتماعی و فرهنگی جنسیتی موجود کمک کنند، روابط نابرابر جنسیتی را تشدید می‌کند. حال، راهکار پیشنهادی ناظر به تغییر و محو هنجارهای موجد نقش‌های مادری و همسری در جوامع، تلاش برای مشروعیت بخشی قانونی و فرهنگی به ضد هنجارهای مزبور و مقابله با کلیشه‌های جنسیتی و نقش‌های سنتی زنان است. البته این در حالی است که انجام این تحولات از منظر نهادهای بین‌المللی، روندی دشوار و بلندمدت خواهد داشت چرا که علی‌رغم پیشرفت‌های سریعی که در حوزه سیاست، آموزش و اشتغال مشهود است اما تغییر در حیطه زندگی خصوصی و خانوادگی از جمله در رابطه با ترغیب زنان برای کاهش تخصیص زمان برای انجام امور خانه‌داری یا مراقبت و یا عدم نگهداری از کودکان و سالمندان، ارزیابی نشده است. پرداختن به این مسائل به این دلیل چالش‌برانگیز شمرده شده است، که اساس هنجارها و نقش‌های جنسیتی در خانواده قرار دارند و مباحثی مانند نقش‌های جنسیتی در خانه، تفکیک شغلی و هنجارهای اجتماعی در مورد تقسیم کار جنسیتی تمایل به بازتولید در نسل‌های مختلف دارد. (UNDP and

و محو کلیه اشکال خشونت علیه زنان با رویکردی موسع و منطبق با اسناد و رویه نهادهای حقوق بشری در اجرای اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ مورد توجه است که حوزه‌های مختلف تقنین، اجرا و قضا را شامل می‌گردد و فراتر از یک هدف در سند توسعه پایدار بلکه به عنوان راهبردی کلیدی در اجرای کل اهداف مطرح و مورد توجه است و شامل پرداختن به هنجارهای جنسیتی در نظام خانواده و اجتماع و تلاش برای تغییر آنها می‌شود، بنابراین لازم است این مساله، مورد تامل جدی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد تا در این رابطه مواضع مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی اتخاذ کند.

۲،۳. سیاست جمعیتی در چارچوب اهداف توسعه پایدار: کاهش جمعیت از آثار اجرا

اهداف مرتبط با بحث جمعیت و باروری در اهداف توسعه پایدار، عبارتند از سلامت باروری (هدف ۳،۷) و مراقبت‌های جهانی (هدف ۳،۸) و همچنین عوامل کاهش باروری مانند تنظیم خانواده (هدف ۳،۷)، توانمندسازی زنان (هدف ۵)، سلامت (هدف ۳) و آموزش (هدف ۴). از منظر کارشناسان، اگرچه کاهش باروری سرانه، طی چند دهه گذشته مشاهده شده است اما کاهش رشد جمعیت به طور نابرابر در سراسر جهان رخ داده است. در متن سند اهداف توسعه پایدار، اشاره صریحی به مقابله با رشد جمعیت جهان نشده است، اما مطالعات متعدد نشان می‌دهد که چگونه اجرای هماهنگ و سیستماتیک اهداف توسعه پایدار، در حال حاضر تثبیت‌کننده جمعیت جهان و مانع از افزایش آن خواهد بود. در یک پژوهش، بررسی شده است که چگونه اهداف فرعی مندرج در سند توسعه پایدار ناظر به پیشگیری از مرگ و میر، سلامت باروری و آموزش برای دختران به طور مستقیم و غیرمستقیم بر روندهای جمعیتی آینده تأثیر می‌گذارد. (Abel and others, 2016: 94-99) در پژوهشی دیگر از منظر متفاوت بررسی شده است که چگونه کاهش باروری در آفریقا توانسته است آمار وابستگی (نسبت جمعیتی که از نظر اقتصادی فعال نیستند) را کاهش دهد و در نتیجه به مقابله با فقر (هدف

(۱)، افزایش بهره‌وری (هدف ۸) و بهبود آموزش و برابری جنسیتی (اهداف ۴ و ۵) کمک کرده است. (Mortont and other, 2017: p. 87) از منظر برخی کارشناسان غربی، عدم توجه کافی به بُعد زمانی توسعه پایدار در غیاب هدف‌گیری صریح مسائل مربوط به جمعیت مشهود است و به این ترتیب با توجه به مزایای اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از کاهش باروری، پیشنهاد شده است که رویکردی هماهنگ برای کاهش جمعیت در چارچوب سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ ترسیم گردد و اهداف اصلی و فرعی مربوط به رشد جمعیت به طور هماهنگ اجرا شوند. (Lim, 2018: p. 7) بنابراین، به نظر می‌رسد، کاهش جمعیت خصوصاً در کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته از جمله آثار اجتناب‌ناپذیر و یا حداقل به عنوان چشم‌انداز مطلوب اجرای اهداف توسعه پایدار است که از جانب کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی مورد حمایت نظری و عملی قرار دارد و از جانب جمهوری اسلامی ایران لازم است به طور همه‌جانبه و در راستای سیاست‌های کلان آن مورد توجه باشد زیرا جمعیت یکی از مؤلفه‌های اقتدار ملی و عناصر اصلی دولت است. اتخاذ سیاست‌های جمعیتی مطلوب در اقتدار و امنیت کشور اثرگذار است و غفلت دولت از سیاست‌های جمعیتی مناسب، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای دولت به دنبال خواهد داشت. مهم‌ترین متغیر اثرگذار در بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و قانونگذاری‌های دولت، جمعیت و دگرگونی‌های آن در گذشته، حال و آینده است؛ بنابراین تحولات جمعیتی و فرزندآوری خانواده‌ها در بقای کشور و تحقق برنامه توسعه دولت اهمیت بسزایی دارد. (غمامی، ۱۳۹۸: صص ۳۹-۳۸) و باید به این مهم در مقابل جریان‌سازی نهادهای بین‌المللی خصوصاً در چارچوب اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ توجه و دقت لازم مبذول گردد تا در ضمن اقدام در راستای توسعه پایدار، اهداف ضمنی و مکتوم مدنظر نهادهای مذکور از جمله کاهش جمعیت محقق نشود.

با گذشت حدود نیم دهه از زمان تصویب و اجرای سند اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ ایرادات و خلأهای حقوقی و غیرحقوقی مطرح به این سند، از منظر دولت‌ها و مقامات اجرایی حائز اهمیت است تا بتوانند فارغ از جریان‌سازی نهادهای بین‌المللی، اقدامات کارآمد و موثر و متناسب با مقتضیات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را اتخاذ کنند. فقدان رویکرد نظام‌مند در تدوین اهداف توسعه پایدار و عدم انسجام و ارتباط منطقی میان اهداف از جمله مهم‌ترین ایرادات وارد به سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است. غالب بودن محورهای اقتصادی بر ملاحظات اجتماعی و زیست‌محیطی در عمل می‌تواند به عملکرد گزینشی و مبتنی بر منافع فردی دولت‌ها منجر گردد که در نهایت با تقدم منافع اقتصادی دولت‌هایی محدود بر منافع جامعه بین‌المللی، در بلندمدت بقای بشریت و سیاره زمین را تهدید خواهد کرد. چشم‌انداز مطرح در اجرای این سند، آن است که تحقق توامان کلیه اهداف با هم قدری بعید است و پایداری زیست‌محیطی در نهایت با تحقق اهداف دیگر خصوصاً اهداف اقتصادی سند، دور از انتظار است و در نظام اقتصادی طراحی شده نیز تعدیل نابرابری‌های ناعادلانه موجود به نحو کارآمد هدف‌گذاری نشده است. از آنجاکه در رهیافت توسعه پایدار، عدالت بین‌نسلی به عنوان رکن اساسی و حقوق و منافع نسل حاضر و نسل‌های آینده بشر مورد توجه است، با وجود این، در اهداف اصلی و فرعی سند توسعه پایدار، هیچ اشاره صریحی به این مفهوم و مکانیزم تحقق آن وجود ندارد. از جمله مصادیق دیگر فقدان رویکرد سیستمی در اهداف توسعه پایدار می‌توان به پدیده فقر و عوامل زمینه‌ساز آن از منظر اهداف توسعه پایدار است که ابعاد متعدد فقر و مفهوم‌سازی فقر را صرفاً از منظر اقتصادی و معیشتی مورد توجه دارد، در حالی که مقابله با فقر مستلزم اتخاذ اقداماتی با ماهیت چند بُعدی است. همچنین سند اهداف توسعه پایدار در مشارکت دادن فعال کنش‌گران غیردولتی در روند توسعه پایدار از نقص جدی برخوردار است و این خلأ، پتانسیل سند را برای

ایجاد بازسازی اجتماعی اقتصادی مورد نیاز برای دستیابی به پایداری محدود خواهد کرد. تعیین قلمرو دقیق تعهدات دولت‌ها و تعیین مناسبات سند اهداف توسعه پایدار با معاهدات بین‌المللی مرتبط از چالش‌های حقوقی مهم محسوب می‌گردد. گنجاندن صریح یا ضمنی کنوانسیون‌های چندجانبه در اهداف توسعه پایدار می‌تواند قدرت اجرا و هدف جهانی آن را تضعیف کند زیرا براساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در حدودی متعهد و ملتزم هستند که رضایت و موافقت خود را با آن اعلام نموده‌اند. الزام یا ترغیب همه کشورها برای اجرای برنامه‌های توسعه پایدار از طریق کنوانسیون‌های مشخص شده کشورهای غیرعضو، به‌طورمستقیم یا غیرمستقیم ملزم به اجرای مفاد کنوانسیون‌هایی خواهد نمود که اراده و قصد خود را برای پیوستن به آنها ابراز ننموده‌اند. چنین رهیافتی یعنی عدم ترسیم دقیق تعهدات دولت‌ها که در برخی موضوعات حقوق بشری بیش از سایر مسائل، چالش برانگیز خواهد بود، چنانچه در ارتباط با برابری جنسیتی (هدف ۵) و آموزش (هدف ۴) شاهد طرح چالش‌های نظری و عملی مهم طی سال‌های اخیر بوده‌ایم و در این میان نقش نهادهای بین‌المللی ناظر بر اجرای هریک از اهداف بسیار قابل تامل بوده است به‌این‌ترتیب که نهاد زنان ملل متحد (نهاد ناظر بر اجرای هدف ۵) و یونسکو (نهاد ناظر بر اجرای هدف ۴) در تبیین مفاد اهداف توسعه پایدار و تعیین قلمرو اقدام دولت‌ها تقاسیر موسعی ارائه نموده‌اند که در مواردی با نظام ارزشی و مذهبی حاکم بر دولت‌ها خصوصاً دولت‌های اسلامی در تعارض قرار دارد و لازم است این مهم با نقش‌آفرینی فعال و جمعی دولت‌های اسلامی و کنش‌گران غیردولتی مورد توجه و پاسخ قرار گیرد. به‌این‌ترتیب، اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سندی ناظر به جنبه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی و فرهنگی و حتی خانوادگی در نظام‌های داخلی است و باید به دور از ساده‌انگاری و پیش‌داوری به‌نحو دقیق باتوجه به رویه نهادهای بین‌المللی مورد توجه و تعمق دولت جمهوری اسلامی قرار گیرد تا در اجرایی شدن اهداف، فراتر از منطوق سند، آثار و تبعات اجتناب‌ناپذیر اجرای آن‌ها نیز پیش‌بینی و ارزیابی گردد.

۱. اصغری، سید علی (۱۳۹۶). «ارزیابی آرمان توسعه پایدار بر بستر تداوم جریان اصلی توسعه پایدار در دستورکار»، ترویج علم، سال هشتم، شماره دوازدهم، صص ۴۱-۲۷.
۲. افضل‌ی، مرضیه و انتظاری، علی (۱۳۹۹). «جایگاه مادری از منظر شهید مطهری در مقایسه با فمینیسم»، مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و سوم، شماره ۸۶، صص ۸۱-۱۱۲.
۳. جهانی پور، محمدرضا و توحیدی، احمدرضا (۱۴۰۰). «جایگاه توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رویه دولت‌ها»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۲، صص ۶۴۶-۶۲۷.
۴. زمانی، لیلا و جواهریان، زهرا (۱۳۹۴). «کنکاشی بر روند تحولات شاخص‌های پایداری در نظام بین‌المللی»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفتم، شماره ۴، صص ۲۰۰-۱۸۱.
۵. عسگری، پیمان و فراهانی، فاطمه و صالحی امیری، رضا (۱۳۹۷). «طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دهم، شماره دوم، صص ۴۰-۲۷.
۶. علاسوند، فریبا و نیکوخصال، معصومه (۱۳۹۶). «توسعه مستندات شرعی جرت‌المثل کار خانگی»، مطالعات زنان و خانواده، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۲۶-۷.
۷. محمد مهدی غمامی و دیگران (۱۳۸۹). «آسیب شناسی سیاست‌های تقنینی جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و ارائه شاخص‌های مطلوب»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۲، شماره ۸۶، صص ۵۸-۳۱.
۸. عسگری، محمد مهدی و غفورزاده، حسین (۱۳۹۳). «تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف»، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، صص ۸۲-۵۳.

۹. مرلی، صالح (۱۳۹۸). «واکاوی «اجرت المثل زوجه» در فقه حنفی، امامیه و قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱»، خانواده‌پژوهی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۴۰۹-۳۹۳.

۱۰. مسعود علیزاده، شهرام زرنشان، زهره دولت آبادی (۱۳۹۶). «مشارکت نهادهای غیردولتی در ایجاد و اجرای حقوق محیط زیست اتحادیه اروپا»، پژوهش حقوق عمومی، سال بیستم، شماره ۶۰، صص ۲۵۹-۲۳۷.

منابع لاتین:

1. Ban, K. M. (2014). The road to dignity by 2030: ending poverty, transforming all lives and protecting the planet—synthesis report of the Secretary-General on the Post-2015 Agenda. United Nations, New York, New York, USA.
2. UN DESA (United Nations Department of Economic and Social Affairs), (2007). Indicators of Sustainable Development): Guidelines and Methodologies, 3rd ed. New York.
3. UN Women (2015). Monitoring Gender Equality and the Empowerment of Women and Girls in the 2030 Agenda for Sustainable Development: Opportunities and Challenges, New York
4. Abel GJ, Barakat B, Kc S, Lutz W. (2016). "Meeting the sustainable development goals leads to lower world population growth". Proceedings of the National Academy of Sciences, Vol. 29, No. 50.
5. Griggs, D., M. Stafford-Smith, J. Rockström, M. C. Öhman, O. Gaffney, G. Glaser, N. Kanie, I. Noble, W. Steffen, and P. Shyamsundar, (2014). "An integrated framework for sustainable development goals", Ecology and Society 19(4): 49, pp.1-34.

6. Hák, T., Svatava, B., (2016). "Sustainable Development Goals: A need for relevant indicators", Ecological Indicators, Volume 60, pp. 565-573.
7. Lim, M. M. L., P. SØgaard Jørgensen, and C. A. Wyborn. (2018). "Reframing the sustainable development goals to achieve sustainable development in the Anthropocene—a systems approach", Ecology and Society, Vol. 23, No. 3, pp.1-20
8. Mortont, S., Pencheon, D., and Squires, N., "Sustainable Development Goals (SDGs), and their implementation", British Medical Bulletin, Vol 124, No. 1, pp.81-90.
9. Nilsson M, Griggs D, Visbeck M., (2016). "Map the interactions between Sustainable Development Goals", Nature 534: pp.320-322.
10. Nilsson, M., and R. Costanza. (2015). "Overall framework for the sustainable development goals", pp.7-12 in ICSU, ISSC. Review of the sustainable development goals: the science perspective, ICSU, Paris, France
11. Stafford-Smith, M., D. Griggs, O. Gaffney, F. Ullah, B. Reyers, N. Kanie, B. Stigson, P. Shrivastava, M. Leach, and D.. O'Connell, D. (2016). "Integration: the key to implementing the sustainable development goals", Sustainability Science 12(6): pp.911-919
12. UN women a, (2019). Equality in Law for Women and Girls by 2030: A Multi stakeholder Strategy for Accelerated Action, New York.
13. UN Women b, (2019). Tackling global challenges to equality and inclusion through the gender-responsive implementation of the 2030 Agenda for Sustainable Development, VIENNA.

14. UNDP and UN Women, (2018). Gender Equality as an Accelerator for Achieving the Sustainable Development Goals.
15. UNSD (United Nations Statistics Division) (2015). Minimum Set of Gender Indicators.
16. Wackernagel M., Hanscom L. and Lin Making, D., (2017). "The sustainable Development Goals consistent with sustainability", Front. Energy Research, Vol. 5, Art. 18, pp. 1-5
17. Incheon Declaration and Framework for Action for the implementation of Sustainable Development Goal 4, 2015.
18. Abson, D. J., Fischer, J., Leventon, J., Newig, T. Schomerus, U. Vilsmaier, H. von Wehrden, P. Abernethy, C. D. Ives, N. W. Jager, and D. J. Lang. (2017). Leverage points for sustainability transformation. Ambio 46:30-39, at: <https://link.springer.com/article/10.1007/s13280-016-0800-y>